

تأثیر مداخله‌های زودهنگام روان‌شناختی - اجتماعی در پیش‌گیری از بزهکاری*

نویسنده: جان گراهام**

مترجم: یاسمن خواجه‌نوری***

چکیده: شکل‌گیری نادرست نظام شخصیتی و اجتماعی شدن افراد در کودکی و نوجوانی، فرایند تربیت آنان را دچار اختلال می‌کند و احتمال بروز رفتارهای ضداجتماعی آنان را افزایش می‌دهد. از این رو، مداخله به‌هنگام نهادهای تأثیرگذار در فرایند تربیت و اجتماعی شدن افراد می‌تواند نقش مهمی در پیش‌گیری از بزهکاری داشته باشد. این مقاله تأثیر مداخله‌های روان‌شناختی - اجتماعی زودهنگام (اقدامهای خانواده‌مدار، مدرسه‌مدار و اجتماع‌مدار) را در پیش‌گیری از بزهکاری بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: پیش‌گیری از بزهکاری، اقدامهای خانواده‌مدار، اقدامهای مدرسه‌مدار، اقدامهای اجتماع‌مدار، نهادهای جامعه‌ی، پیش‌گیری زودهنگام.

* Summary report of the effectiveness of early psychosocial interventions to prevent criminality, in: *ROLE OF EARLY PSYCHOSOCIAL INTERVENTION IN THE PREVENTION OF CRIMINALITY*, Printed at the Council of Europe, March 2001.

** John Graham.

*** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی.
مترجم بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از آقای علی شجاعی برای مساعدت در برگردان و ویرایش این مقاله ابراز می‌دارد.

پیش‌گفتار مترجم

پیش‌گیری از بزهکاری که با تولد مکتب تحقیقی به گستره دانش جرم‌شناسی راه یافته است، دربرگیرنده تدابیر و اقداماتی است که برای جلوگیری از وقوع بزهکاری به کار گرفته می‌شوند.^(۱) به عبارت دیگر هرگونه اقدامی که با هدف کاهش میزان بزهکاری اعمال می‌شود در قلمرو پیش‌گیری از بزهکاری جای می‌گیرد.

پیش‌گیری از بزهکاری براساس الگوهای متفاوت به گونه‌های متعددی تقسیم می‌شود. برخی از جرم‌شناسان با الهام از دانش پزشکی و براساس سطوح مداخله، پیش‌گیری از بزهکاری را به سه گونه پیش‌گیری نخستین، دومین و سومین دسته‌بندی می‌کنند.^(۲)

عده‌ای دیگر نیز پیش‌گیری از بزهکاری را با توجه به زمان مداخله، به دو گونه پیش‌گیری کیفری (واکنشی) و پیش‌گیری غیرکیفری (کنشی) تقسیم می‌کنند.

پیش‌گیری کیفری که بر اساس شواهد تاریخی عمری نزدیک به چهار هزار سال دارد^(۳) با استفاده از سازوکارهای کیفری به دنبال کاهش میزان بزهکاری است. این گونه از پیش‌گیری - که پس از وقوع جرم اعمال می‌شود - غالباً از

۱. نیازپور (امیرحسین)، **پیشگیری زود هنگام از پایداری رفتارهای مجرمانه**، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۶۱، ۱۳۸۳، ص ۱۲.

۲. برای آگاهی بیشتر: ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، **دوآمدی بر جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر**، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، جلد نخست، انتشارات روزنامه رسمی، چاپ نخست، ۱۳۷۹، از ص ۳-۱۱ و همچنین ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، **پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، ۱۳۷۸، صص ۱۵۶-۱۲۹.

۳. برای آگاهی بیشتر: ر.ک: بادامچی (حسین)، **ابه کوشش | آغاز قانونگذاری**، ترجمه نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، انتشارات طرح نو، چاپ نخست، ۱۳۸۲، و همچنین ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین) و بادامچی (حسین)، **تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین**، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

طریق ارعاب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی و جمعی درصدد پیش‌گیری از بزهکاری مجرمان احتمالی و پیش‌گیری از بزهکاری دوباره مجرمان واقعی است. پیش‌گیری مذکور براساس تأثیری که بر جامعه و یا فرد بزهکاری می‌گذارد به دو گونه پیش‌گیری عام و خاص تقسیم می‌شود.^(۱)

پیش‌گیری غیرکیفری شامل آن دسته از تدابیر و اقدامات غیرکیفری است که پیش از ارتکاب جرم از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنائی و فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد به دنبال جلوگیری از وقوع بزهکاری می‌باشد. این شاخه از پیش‌گیری به دو گونه پیش‌گیری موقعیت‌مدار و پیش‌گیری اجتماعی تقسیم می‌شود. پیش‌گیری موقعیت‌مدار با این فرض که همه انسانها با حسابگری به سراغ ارتکاب جرم می‌روند،^(۲) از طریق تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) درصدد کاهش جذابیت آماج، افزایش خطر ارتکاب جرم و پرهزینه کردن بزهکاری می‌باشد. پیش‌گیری اجتماعی با استفاده از محیطهای اجتماعی دور و نزدیک نسبت به افراد به دنبال تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت آنان است. این پیش‌گیری به دو نوع پیش‌گیری جامعه‌مدار و رشد‌مدار تقسیم می‌شود. پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیش‌گیری غیرکیفری بوده و مکتب تحقیقی نیز بر آن تأکید کرده است شامل اقدامهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیش‌گیرانه‌ای می‌شود که نسبت به محیطهایی که فرد در آنها زندگی و کار می‌کند اعمال می‌شوند.^(۳)

پیش‌گیری اجتماعی رشد‌مدار که به آن پیش‌گیری زودهنگام (زودرس)

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نیازپور (امیرحسین)، **پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه**

پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹-۱۲۵.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: صفاری (علی)، **مبانی نظری پیشگیری وضعی**، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰، ص ۲۶۷-۳۲۵.

۳. نجفی‌ابرنادآبادی (علی‌حسین)، **پیشگیری عادلانه از جرم**، علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳، ص ۵۷۰.

نیز گویند بر این فرض مبتنی است که پیش‌رسی بزهکاری نوید تداوم گرایشها و اعمال مجرمانه را در افراد می‌دهد، بدین معنی که هر قدر افراد زودتر از سن متعارف مرتکب بزه شوند به همان میزان احتمال استقرار بزهکاری در آنان بیش از دیگران است. از این رو با مداخله در فرایند رشد کودکان و تمرکز بر روی عوامل فردی و اجتماعی که بر پیشرفت آمادگیهای مجرمانه کودکان و پایداری رفتارهای بزهکارانه در آنان تأثیرگذار است، می‌توان با جامعه‌پذیر کردن این افراد از تبدیل شدن آنان به بزهکار مزمن جلوگیری کرد.^(۱)

بدین ترتیب این پیش‌گیری از طریق برنامه‌های پیش‌گیرانه زودهنگام - که جنبه روان‌شناختی اجتماعی دارند - با شناسایی عوامل خطر و به‌کارگیری اقدامهای حمایتی درصدد سالم‌سازی شخصیت کودکان مسئله‌دار یا مشکل‌دار است. این شاخه از پیش‌گیری با وجود اینکه از ایراد مبرا نیست، در بسیاری از موارد نتایج نویدبخشی به دنبال داشته است. برنامه‌های دیدارهای خانوادگی، مداخله‌های پیش از مدرسه و آموزش پدران و مادران در زمینه تربیت فرزندان از جمله برنامه‌های کارآمد این شاخه از پیش‌گیری از بزهکاری به شمار می‌آیند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نیازبور (امیرحسین)، بزهکاری به‌عادت و پیشگیری از آن، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳، ص ۹۶-۱۳۳ و همچنین ر.ک: کاریو (روبر)، مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه نجفی ابرنآبادی (علی حسین)، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵-۳۶، ص ۲۶-۳۰.

درآمد

بر اساس اطلاعات فزاینده در خصوص عوامل خطرزایی که می‌توانند به رفتار مجرمانه منجر شوند، چند برنامه بر حسب تأثیرشان بر [کنترل] بزهکاری و پیامدهای مرتبط با آن اجرا و ارزیابی شده‌اند. اکنون، بر پایه این اطلاعات با درجه‌ای از اطمینان می‌توان اظهار داشت که کدام مداخله‌ها مؤثرند و به چه دلیل، و تا چه اندازه مقرون به صرفه‌اند. چندین مقاله این شواهد را به طور خلاصه بیان کرده‌اند. [برای نمونه: فارینگتون^(۱)، ۱۹۹۶؛ یوتینگ^(۲)، ۱۹۹۶؛ شرمن^(۳) و همکاران، ۱۹۹۷؛ و در خصوص مقرون به صرفه بودن: گرین‌وود^(۴) و همکاران، ۱۹۹۶؛ کارولی^(۵) و همکاران، ۱۹۹۷؛ ولش^(۶)، ۱۹۹۷؛ و آئوس^(۷) و همکاران، ۱۹۹۷]

۱. اقدامهای کارآمد

به منظور مشخص کردن اینکه در پیش‌گیری از بزهکاری چه اقدامهایی کارایی دارند، متمایز کردن اقدامها بر مبنای برخی از سنجه‌های دارای کیفیت علمی ضروری است. بسیاری از ارزیابیها ضعیف طراحی شده‌اند و شمار بسیار اندکی از آنها با معیارهای برتر دقت علمی که لازمه «کارآمدی» اند، مطابقت دارد. به تازگی، شرمن و همکارانش در سال ۱۹۹۷ میلادی ارزیابی جامعی را در مورد برنامه‌های خانواده‌مدار، مدرسه‌مدار و اجتماع‌مدار برای پیش‌گیری از جرم و بزهکاری به کنگره ایالات متحد آمریکا ارائه کرده‌اند.

1. Farrington.
2. Utting.
3. Sherman.
4. Greenwood.
5. Karoli.
6. Wclsh.
7. Aos.

آنان از یک نظام درجه‌بندی پنج ستاره‌ای استفاده کرده‌اند که در اینجا به منزله یک راهنما از آن استفاده می‌شود. فقط ارزیابی‌هایی که قدرت اثباتی آنها به گونه‌ای است که در درجه نخست طبقه‌بندی شرم‌ن جای می‌گیرند، در مقاله گنجانده می‌شوند. این مقیاس در مقایسه با آنچه شرم‌ن برای تعیین کارآیی به کار می‌برد، آستانه [دقت] نسبتاً بالاتری دارد (زیرا وی برخی از ارزیابی‌های درجه سوم را نیز [در لیست خود] می‌گنجاند). بنابر این، در مجموع می‌توان مطمئن بود که همه راهکارهای پیش‌گیری از بزهکاری که در این مقاله ذکر شده است، واقعاً کارآیی دارند. اقدام‌های کارآمد در خصوص پیش‌گیری از بزهکاری را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اقدام‌های خانواده‌مدار و اقدام‌های مدرسه‌مدار.

۱-۱. اقدام‌های خانواده‌مدار

امروزه نوشته‌های درخور توجهی وجود دارد که یافته‌های ناشی از مداخله‌های خانواده‌مدار را که برای پیش‌گیری از اختلال‌های رفتاری و بزهکاری از رهگذر بهبود رشد جسمی، فکری و عاطفی کودکان، کاهش کودک‌آزاری و بهبود عملکرد خانواده طرح‌ریزی شده‌اند، ارزیابی می‌کنند (برای نمونه، بنگرید به: یوتینگ و همکاران، ۱۹۹۳؛ گراهام و یوتینگ، ۱۹۹۶؛ شرم‌ن و همکاران، ۱۹۹۷). مداخله‌های خانواده‌مدار را می‌توان به سه گونه عمده تقسیم کرد:

۱. برنامه‌های دیدارهای خانگی زودهنگام و آموزش‌های پیش‌دبستانی؛ ۲.

خانواده‌درمانی و آموزش پدر و مادر؛ و ۳. حفظ خانواده.

۱-۱-۱. برنامه‌های دیدارهای خانگی زودهنگام و آموزش پیش‌دبستانی

شرمن و همکارانش (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که امیدوارکننده‌ترین نتایج در پیش‌گیری از جرم به برنامه‌های دیدارهای خانگی مربوط‌اند. این برنامه‌ها مستلزم وجود افراد آموزش‌دیده و متعهد - معمولاً پرستاران، مراقبان بهداشت یا مددکاران اجتماعی - هستند که به کمک و گاهی به آموزش پدر و

مادرها مبادرت می‌ورزند. ارزیابی‌های مربوط به دیدارهای خانگی اعم از آنکه با اقدام‌های پیش‌دبستانی آمیخته شوند یا خیر، به گونه‌ای هماهنگ تأثیرهای مثبتی را بر جرم یا عوامل خطرزای جرم نشان داده‌اند. شرم‌ن و همکارانش یافته‌های ناشی از هجده ارزیابی را خلاصه کردند که دارای یک مؤلفه بازدید خانگی بودند از میان آنها دو برنامه - یعنی برنامه پیشرفت خانواده سیراکوز^(۱) و برنامه پیش‌دبستانی پری^(۲) - تأثیر بلندمدت دیدارهای خانوادگی (همراه با مراقبت روزانه در برنامه سیراکوز و آموزش پیش‌دبستانی در برنامه پری) را بر بزهکاری ارزیابی کرده بودند.

برنامه پیشرفت خانواده سیراکوز مشاوره و حمایت پیش و پس از تولد را برای زنان کم‌درآمد عمدتاً آمریکایی آفریقایی‌تبار از رهگذر دیدارهای خانگی و خدمات نگهداری روزانه رایگان که برای بهبود مهارت‌های شناختی و فکری کودکان شش ماهه تا پنج ساله طرح‌ریزی شده بود، فراهم کرد. این برنامه با استفاده از یک گروه کنترل هم‌تا از کودکان سه ساله ارزیابی شد. بیش از ۱۲۰ کودک همگن تا سن پانزده سالگی دنبال شدند و در حالی که ۲۲ درصد از گروه کنترل به دلیل ارتکاب جرم محکوم شده بودند، فقط ۶ درصد از گروه آزمایش محکوم شده بودند که جرم اینان نیز شدت کمتری داشت. (لالی^(۳) و همکاران، ۱۹۸۸)

یکی از مشهورترین اقدام‌های مربوط به مداخله زود هنگام برنامه پیش‌دبستانی پری بوده که گستره بالایی داشت و هم کودکان و هم پدر و مادران را هدف قرار داد. در اوایل دهه ۱۹۶۰، ۵۸ کودک سیاه‌پوست از خانواده‌هایی که وضعیت اجتماعی-اقتصادی ضعیف داشتند یک برنامه آموزشی پیش‌دبستانی دو ساله را که کیفیت بالایی داشت دریافت کردند و مادران آنان

1. Syracuse Family Development.
2. Perry Pre-School Programme.
3. Lalley.

نیز به طور هم زمان تحت [برنامه] دیدارهای خانگی قرار گرفتند. سرنوشت بعدی این کودکان با یک گروه کنترل هم‌تا متشکل از ۶۵ کودک از همان محله محروم سیاه‌پوستان در میشیگان مقایسه شد. کسانی که در برنامه حضور یافته بودند، عملکرد بهتری در مدرسه و تحصیلات بزرگسالی داشتند، احتمال فارغ‌التحصیل شدن و به دست آوردن شغل در آنان بیشتر بود، و تقریباً نیمی از دختران این گروه احتمال داشت که طی دوران نوجوانی باردار شوند. میزان دستگیری آنان در سن نوزده سالگی ۴۰ درصد پایین‌تر از گروه آزمایش بود. کودکانی که در برنامه‌های پیش‌دستانی حضور یافته بودند، در سن ۲۷ سالگی به گونه معناداری احتمال بیشتری وجود داشت که تحصیلات خود را به پایان رسانده باشند، خانه شخصی داشته و درآمدی بیش از ۲۰۰۰ دلار در ماه داشته باشند. در گروه کنترل، ۳۵ درصد آنان پنج بار یا بیشتر دستگیر شده بودند که این میزان برای کسانی که در برنامه پیش‌دستانی حضور یافته بودند، ۷ درصد بود. [اشواینهارت^(۱) و ویکارت^(۲)، ۱۹۹۳]

این یافته‌ها با توجه به فاصله زمانی میان مداخله و پیامدهای آن در دوران بزرگسالی درخور توجه‌اند. ولی، باید بر این مسئله تأکید کرد که با وجود کیفیت بسیار بالای طرح پژوهشی، نمونه‌ها کوچک‌اند و گروه آماج نیز بر حسب وضعیت اجتماعی-اقتصادی خود بسیار خاص است. [از این رو] انجام آزمایشهای مشابهی در خصوص نمونه‌های بزرگ‌تری از افراد و خانواده‌ها متعلق به گستره وسیع‌تری از گروههای آماج ضرورت دارد. با وجود این، باید خاطر نشان کرد که ویکارت (یکی از پایه‌گذاران این طرح) نشان داده است که منافع چندگانه طرح آموزش پیش‌دستانی پری شرکت‌های بیمه را واداشته که بودجه برنامه‌های مشابه را بر اساس سود بلندمدت آنها برای سرمایه‌گذاری

1. Scheinhart.

2. Weikart.

در این زمینه تأمین کنند (یعنی، احتمال بیشتری هست که آنان در مدرسه عملکرد بهتری داشته باشند، شغل پایدار بلندمدتی به دست آورده و از این رو صاحب یک خانه یا ماشین شوند).

ده مورد از ارزیابی‌هایی که شرمن و همکارانش (۱۹۹۷) بررسی کردند، بر عوامل خطرزای جرم متمرکز بود و نتایج را بر حسب کاهش بعدی رفتار ضداجتماعی و بهبودهای صورت‌گرفته در مهارت‌های شناختی کودکان، وابستگی پدر-مادری و مهارت‌های مربوط به ایفای نقش پدر-مادری سنجیدند. پنج مورد از این طرحها نیز بر حسب تأثیرشان بر کودک‌آزاری ارزیابی شدند. همگی آنها نتایج مثبتی را نشان دادند.

چنین برنامه‌هایی اغلب تأثیرهای پر دامنه‌ای بر پدر-مادران و نیز کودکان دارند. برای نمونه، مطالعه دانشگاه روچستر^(۱) [ر.ک: آلدز^(۲)] و همکاران، ۱۹۸۶ یک کاهش نسبی ۷۹ درصدی را در کودک‌آزاری در خصوص مادران دارای خطر بالا نشان داد. همین گونه، برنامه پیشرفت خانواده سیراکوز کاهشی ۷۳ درصدی را در ارجاع‌های مربوط به تعلیق مراقبتی در خصوص پانزده ساله‌ها نشان داد [لالی و همکاران، ۱۹۸۸] و مطالعه پی‌گیرانه پانزده ساله برنامه المیرا^(۳) در نیویورک [آلدز و همکاران، ۱۹۹۷] گزارش داد که میزان دستگیری مادران ۶۹ درصد و میزان مشکلات رفتاری آنان در اثر سوء مصرف مواد ۴۴ درصد پایین‌تر بود. این مطالعه همچنین گزارش داد که میزان کودک‌آزاری در گروه آزمایش ۴۶ درصد پایین‌تر بود. در این اواخر، آلدز و همکارانش (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که افزون بر میزان دستگیری پایین‌تر مادران، میزان دستگیری کودکان آنان نیز کمتر از نیم کودکان مادران موجود در گروه کنترل بود.

1. Rochester.
2. Olds.
3. Elmira.

اگر چه ممکن است این گونه تأثیرهای پردامنه امری استثنائی باشند تا یک قاعده [شرمن و همکاران، ۱۹۹۷]، تأثیرهای مثبت آشکارا تداوم داشته و می‌توانند به کاهش اساسی جرمهای شدید در آینده منجر شوند. مطابق برآورد شرمن (۱۹۹۷)، بر مبنای دلایل مربوط به صرف کاهش کودک‌آزاری، ارائه یک برنامه ملی دیدار خانگی در ایالات متحد آمریکا از بیش از نیم میلیون جرم شدید پیش‌گیری می‌کند. اگر از نسبت مشابهی از موارد غفلت پدر-مادرها نیز پیش‌گیری می‌شد، از ۸۰۰ هزار جرم شدید دیگر می‌توانست پیش‌گیری کند.

۱-۲. خانواده‌درمانی و آموزش پدر-مادر

شرمن و همکارانش (۱۹۹۷) دلایل مربوط به کارآمدی هفده برنامه خانواده‌درمانی و آموزش پدر-مادر را بررسی کردند که از میان آنها، سه برنامه بر حسب تأثیرشان بر بزهکاری مورد سنجش قرار گرفت. دیگر برنامه‌ها بر حسب تأثیرشان بر عوامل خطرزای جرم مانند رفتار ضداجتماعی، پرخاشگری و ایفای نقش پدر-مادری به شکل ضعیف ارزیابی شدند. هر سه برنامه‌ای که تأثیرشان بر بزهکاری مورد سنجش واقع شد، تأثیرهای نسبتاً مثبتی را نشان دادند. یکی از این برنامه‌ها که آموزش پدر-مادر کودکان ده‌ساله را برای یک مدت شش تا هشت ماهه فراهم می‌کرد، نشان داد که پس از یک سال، میزان بزهکاری خوداعتراضی^(۱) کاهش یافت. [کازدین^(۲) و همکاران، ۱۹۹۲] در برنامه‌ای دیگر، آموزش پدر-مادر برای ۱۶۰ کودک هفت ساله به مدت بیش از دو سال با آموزش مهارت‌های اجتماعی تلفیق شد. این برنامه نیز کاهش مشابهی را در میزان بزهکاری خوداعتراضی شده - البته پس از یک مدت بسیار طولانی‌تر تکمیلی شش ساله - به بار آورد.

1. Self-reported.

2. Kazdin.

این برنامه همچنین کاهش اندکی را در میزان بزهکاری‌ای که به طور رسمی ثبت شده بود، به بار آورد. [ترمبلی^(۱) و همکاران، ۱۹۹۵] سومین برنامه روی ۱۶۵۹ کودک شش ساله اجرا شد و برای این کودکان، پدر-مادران و آموزگاران، آموزش مهارت برای بیش از یک مدت چهار ساله را فراهم کرد. نتایج این برنامه اندک بود، ولی کاهش کوتاه‌مدتی را در میزان بزهکاری خوداعتراضی شده و بهبودهایی را در ایفای نقش پدر-مادری و وابستگی به خانواده و مدرسه نشان داد. [هاکینز^(۲) و همکاران، ۱۹۹۲]

برنامه‌های مشابه در اروپا رایج نیست، ولی اکنون در برنامه‌های بیمارستان مودسلی^(۳) در لندن اقدامهایی در خصوص کودکان بسیار پرخاشگر و خانواده‌های آنان در حال اجراست. این برنامه از نوارهای ویدئویی و آینه‌های یک‌طرفه برای نشان دادن این مسئله که پدر-مادران چگونه بدون توسل به تنبیه بدنی یا تهدید رفتار کودکان خود را کنترل می‌کنند، استفاده می‌کند. مادران ۱۲۴ نفر از کودکان سه تا هشت ساله فقیر که دارای مشکلات رفتاری بودند، به طور تصادفی جزء گروههای آزمایش و کنترل قرار گرفتند. هم در آغاز اجرای این برنامه و هم پس از یک سال، مشخص شد که این برنامه پرخاشگری، تحرک و فعالیت بیش از اندازه^(۴) و رفتار ضداجتماعی کودکان را در خانه کاهش داده است. [اسکات^(۵)، ۱۹۹۸]

روی هم رفته، به نظر می‌رسد که دوره‌های آموزش پدر-مادران می‌توانند به آنان کمک کند که به گونه‌ای سازنده‌تر واکنش نشان دهند، از شیوه انضباطی ملایم‌تر و متین‌تری استفاده کرده، و از وضعیتهایی که تضاد و

1. Tremblay.
2. Hawkins.
3. Maudsley.
4. hyperactivity = گزاف‌کوشی.
5. Scott.

کشمکش را تشدید می‌کند، پرهیز کنند. ولی، هیچ‌یک از ارزیابی‌های موجود برنامه‌های پی‌گیری بلندمدت نداشتند و بسیاری از آنها بر شمار اندکی از افراد مبتنی‌اند و هیچ دلیلی مبنی بر کارآمد بودن آنها فراتر از محیط خانه وجود ندارد. [کازدین، ۱۹۸۵]

۱-۱-۳. حفظ خانواده

حفظ خانواده دربرگیرنده مداخله‌های فشرده در خصوص خانواده‌هایی است که در آنها روابط پدر-مادر-فرزند تحت فشار شدید بوده یا در حال از هم‌گسیختگی است و کودک نیز در معرض خطر قرار گرفتن تحت مراقبت [دیگری] قرار دارد. با توجه به صرفه‌جویی‌های احتمالی درخور توجه پرهیز از جابه‌جایی‌های بیرون از خانواده (اعم از فرزندخواندگی یا رفتن به نهادهای سکونتگاهی)، برنامه‌های حفظ خانواده احتمالاً مقرون به صرفه‌اند؛ به ویژه اگر بتوان نشان داد که جرم و بزهکاری را نیز کاهش می‌دهند. دلایل در دسترس در خصوص کارآمدی این برنامه‌ها محدود است. با وجود این، هر دو طرح حفظ خانواده در واشنگتن (خانه‌سازان تاکوما^(۱)) و میشیگان (نخستین خانواده‌ها^(۲)) نتایج موفقیت‌آمیزی را بر حسب نگهداری کودکان به جز در حالت مراقبت نشان دادند (یوتینگ و همکاران، ۱۹۹۳). مطابق نظر یوتینگ و همکارانش، طرحهایی که دستیابی به موفقیت در کار با این گونه خانواده‌ها را گزارش می‌دهند، طرحهایی‌اند که بر ضرورت پرورش عزت نفس پدر-مادر تأکید کرده و بر توانایی‌های کنونی پدر-مادران مربوط استوارند. یک راهبرد جامع در خصوص مداخله زود هنگام باید از مجموعه یکپارچه‌ای از آموزش پیش‌دبستانی برای کودک و حمایت و آموزش برای پدر-مادر وی -از جمله، درمان فشرده در موارد حاد- تشکیل شود. ولی، اگر

1. Tacoma Homebuilders.

2. Families First.

چه مداخله‌های زودهنگام آینده بسیار درخشانی را نشان داده و برای پیش‌گیری مؤثر در سالهای اولیه ضروری‌اند، باید با دیگر راهبردها تکمیل شوند. به موازات آنکه کودک شروع به کشف جهان بیرون می‌کند، اهمیت زندگی خانوادگی و نقش پدر-مادری فروکش کرده و تأثیر مدرسه و گروه همسالان افزایش می‌یابد.

۱-۲. اقدامهای مدرسه‌مدار

مداخله‌های مدرسه‌مدار را که هدفشان کاهش تمایل افراد به درگیر شدن در رفتار بزهکارانه و ضداجتماعی است، می‌توان به سه دسته گسترده تقسیم کرد: طرحهایی که هدفشان تأثیرگذاری بر سازمان و ویژگیها و عادات مدرسه است؛ اقدامهای ضدقلدری و گردن‌کلفتی؛^(۱) و مشارکتهای خانواده-مدرسه‌محور.

۱-۲-۱. برنامه‌های تغییر سازمانی

در اوایل دهه ۱۹۸۰، اداره عدالت کودکان و نوجوانان و پیش‌گیری از بزهکاری ایالات متحد آمریکا^(۲) بودجه هفده برنامه مختلف پیش‌گیری از بزهکاری مدرسه‌مدار را در نواحی بسیار جرم‌خیز تحت ابتکار عمل آموزشی جانشین^(۳) خود تأمین کرد. این ابتکار عمل بر این پیش فرض مبتنی بود که می‌توان با تغییر سازمان مدرسه‌ها از بزهکاری و مشکلات همبسته آن مانند ترک تحصیل، رفتار اخلاص‌گرانه و فرار از مدرسه پیش‌گیری کرد. راهبردهای مختلفی از مشاوره همسال گرفته تا بهبود فضای مدرسه امتحان شد. روی هم رفته، برخی یافته‌های مثبت ثبت شد؛ از جمله، امنیت گسترده‌تر در مدرسه‌هایی که این برنامه در آنجا اجرا شده بود، بزه‌دیدگی کمتر آموزگاران، کاهش اندک در بزهکاری، کاهش از خودبیگانگی، و بهبود

1. Anti-bullying initiative.

2. United States Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention.

3. Alternative Education Initiative.

خودانگاره دانش آموزان.

طرح پث^(۱) به منظور افزایش دستاورد آموزشی و کاهش رفتار بزهکارانه در چهار دبیرستان و چهار مدرسه راهنمایی در نواحی عمدتاً سیاه‌پوست و داخلی شهر، رفتار تغییر نهادین را با اقدامهای فردی تلفیق کرد. [گات فردسون، ۱۹۸۶] نتایج این طرح نشان دادند که آن دسته از بخشهای این طرحها که به تغییر نهادین مربوط است، تأثیری اندک ولی قابل سنجش بر بزهکاری و رفتار مدرسه یک سال پس از اجرای برنامه داشت. بیشترین بهبود در گزارشهای مدرسه‌ای دانش آموزان و ثبتهای رسمی محرومیت [از مدرسه] روی داد که در سه دبیرستان مورد آزمایش به طور متوسط ۱۴ درصد کاهش یافتند. در دبیرستان کنترل [یا شاهد]، میزان محرومیت [از مدرسه] ۱۰ درصد افزایش یافت. ولی، در خصوص عملکرد تحصیلی، حضور در مدرسه، و خودانگاره، چنین پیشرفتهایی ثبت نشد؛ اگر چه در زمینه وابستگی به مدرسه بهبودهایی صورت گرفت و بیگانگی با مدرسه نیز به گونه معناداری کاهش یافت.

برعکس، اقدامهای فردمدار هیچ تأثیری روی بزهکاری، وابستگی به مدرسه یا خودانگاره دانش آموزان نداشتند، ولی البته پای بندی دانش آموزان در خطر را به تحصیل بهبود بخشیدند و پیشرفت اندکی نیز در زمینه حضور در مدرسه و عملکرد تحصیلی نشان دادند.

دومین ارزیابی از یک برنامه مشابه - طرح مدرسه‌های کارآمد - کاهش بسیار بیشتری را در بزهکاری دو سال پس از اجرای برنامه نشان داد. [گات فردسون، ۱۹۸۷] این طرح تدابیری را برای بهبود شفافیت قواعد و هماهنگی در اجرا، یادگیری همیارانه، نظارت پایایی بر کار دانش آموزان، گسترش فعالیتهای فوق برنامه، و تدابیر مختلفی را برای بهبود انگیزش و

مشارکت مرتبط با حرفه به دست داد.

در مجموع، پژوهش دربارهٔ موفقیتِ مدرسه نشان می‌دهد که مدرسه‌هایی که مشخصهٔ آنها عبارت است از مدیریت کلاسی با کیفیت بالا، رهبری و سازماندهی خوب، بهترین جایگاه را برای باز داشتن دانش‌آموزان خود از درگیر شدن در رفتار مجرمانه دارند.

۲-۲. اقدامهای ضد قلدری و گردن‌کلفتی

قلدرها و گردن‌کلفت‌های مدرسه به ویژه در خطر تبدیل شدن به مجرمان خشن خطرناک قرار داشته و نیز احتمال بیشتری هست که کودکان قلدر و گردن‌کلفت را نیز پرورش دهند. [فارینگتون، ۱۹۹۳] در برگن^(۱)، نروژ، یک رویکرد «مدرسه کامل»^(۲) برای مبارزه با قلدری و گردن‌کلفتی در مدرسه در ۴۲ مدرسه اجرا شده است. این برنامه تدابیر گونه‌گونی را اتخاذ کرد؛ از جمله، قواعد معینی در خصوص قلدری و گردن‌کلفتی، گنجاندن بحثهایی در خصوص قلدری و گردن‌کلفتی در برنامهٔ درسی، تشویق بزه‌دیدگان به گزارش موارد قلدری و گردن‌کلفتی، و ارائهٔ سیستمهای نظارت در حیات مدرسه. این برنامه افزون بر کاهش چشمگیر قلدری و گردن‌کلفتی، به کاهش رفتار ضداجتماعی و بزه‌دیدگی در بیرون از مدرسه منجر شد. این تأثیرهای مثبت دست‌کم دوازده ماه باقی ماندند. [آلوئوس^(۳)، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱]

در انگلستان، یک رویکرد مشابه «مدرسه کامل» برای مبارزه با قلدری و گردن‌کلفتی در ۲۳ مدرسه در شفیلد^(۴) مقررات دقیقی را برای پیش‌گیری از قلدری و گردن‌کلفتی و واکنش نسبت به آن، بهبود نظارت در حیات مدرسه، و اجرای دوره‌هایی برای بهبود مهارتهای حل مشکلات و بهبود اعتماد به نفس

1. Bergen.
2. whole school.
3. Olweus.
4. Sheffield.

تعیین کرد. این برنامه در کاهش قلدری و گردن‌کلفتی در مدرسه‌های ابتدایی موفق بود، ولی تأثیر نسبتاً اندکی در مدرسه‌های راهنمایی داشت. [اسمیت و شارپ^(۱)، ۱۹۹۴]

دیگر برنامه مبارزه با قلدری و گردن‌کلفتی در انگلستان در چهارچوب یک طرح پیش‌گیری از خشونت در مدرسه، در دو مجتمع مسکونی عمومی با جرم بالا در شرق لندن و مرسی ساید چهار مدرسه را به منزله هدف خود تعیین کرد (دو مدرسه راهنمایی و دو مدرسه ابتدایی). همانند برنامه اجرا شده در برگن و شفیلد، یک رویکرد «مدرسه کامل» اتخاذ شد و تدابیری مانند بهبود وضعیت نظارت و مراقبت بر زمینهای بازی طی زنگ تفریح، فراهم کردن یک تماس محرمانه برای بزه‌دیدگان و گروههای بحث برای پدر-مادران ارائه شد. دو سال بعد، میزان قلدری و گردن‌کلفتی به درجات متغیری در هر چهار مدرسه کاهش یافت. [پیتس^(۲) و اسمیت، ۱۹۹۵]

۱-۲-۳. مشارکتهای خانواده‌مدار و مدرسه‌مدار

برای آنکه مداخله زود هنگام مؤثر باشد، این مداخله باید هم چگونگی ایفای نقش پدر-مادری و هم آموزش کودکان در خطر را ترجیحاً به طور مستمر در سراسر دوران کودکی بهبود بخشد. بهترین روش برای تحقق این امر عبارت است از ایجاد مشارکتهایی میان دو منبع اصلی اجتماعی شدن و کنترل اجتماعی غیررسمی یعنی خانواده‌ها و مدرسه‌ها. [گراهام و یوتینگ، ۱۹۹۶]

شماری از طرحها اتخاذ این رویکرد را آغاز کرده‌اند.

در آرگون^(۳)، یک برنامه پیش‌گیری سراسری برای پیش‌گیری از اخلاهای رفتاری تدارک دیده شده است. [رید^(۴) و همکاران، ۱۹۹۴]

1. Sharp.
2. Pitts.
3. Oregon.
4. Reid.

لیفت^(۱) (مرتبط کردن منافع خانواده‌ها و آموزگاران^(۲)) بر تشویق رفتار هنجاری‌پذیر و باز داشتن از رفتار ضداجتماعی در خانه و مدرسه از رهگذر آموزش پدر-مادر، کلاسهای مربوط به مهارتهای اجتماعی برای کودکان، راهبردهای مربوط به رفتار در حیاط مدرسه، و نصب یک خط تلفن مدرسه به خانه که از رهگذر آن، پدر-مادران و آموزگاران بتوانند پیامهایی را دریافت کرده و بگذارند، متمرکز است. یافته‌های اولیه حاکی از آن است که برنامه لیفت تأثیر فوری‌ای در خصوص کاهش رفتار پرخاشگرانه و ضداجتماعی داشته، [رید، ۱۹۹۹] ولی این مسئله هنوز مشخص نشده است که آیا این یافته‌ها در بلندمدت نیز باقی خواهند ماند یا خیر.

برنامه ریابیی سریع^(۳) بر مبنای پیوندهایی که میان پدر-مادران و مدرسه طی سالهای اولیه از رهگذر تدارک راهبردهایی برای حفظ و بهبود این ابتکار عملهای پیوندی توسعه می‌یابد، پیکربندی شده است (گروه پژوهشی پیش‌گیری از مشکلات رفتاری، ۱۹۹۲). هدفهای اصلی این برنامه عبارت‌اند از کاهش رفتار ضداجتماعی در خانه و مدرسه از رهگذر بهبود روابط پدر و مادر-فرزند و خانواده-مدرسه، و رشد تحصیلی، اجتماعی و شناختی کودک طی دوران دبستان و راهنمایی. ساز و کارهای اصلی برای دستیابی به این هدفها عبارت‌اند از آموزش پدر-مادر، بازدیدهای خانگی دو بار در هفته، آموزش مهارتهای اجتماعی، آموزش تحصیلی و مداخله‌های کلاسی آموزگارمحور برای بهبود مدیریت رفتار.

برای تشویق پدر-مادران به منظور کمک به موفقیت کودکان خود در مدرسه، به آنان نشان داده می‌شود که چگونه محیط منسجمی برای تشویق یادگیری و چگونگی ارتباط با مدرسه و توسعه رابطه‌ای مثبت با آموزگار

1. LIFT.
2. Linking Interests of Families and Teachers.
3. Fast Track Programme.

فرزند خود داشته باشند. به طور هم‌زمان، از رهگذر بازدیدهای خانگی به پدر-مادران نشان داده می‌شود که چگونه به کودکان خود کمک کنند تا عصبانیت خود را کنترل کنند و نیز برای آنان بیان می‌شود که چگونه راهبردهای حل مشکلات در کلاس به آنان آموزش داده می‌شود. از هماهنگ‌کنندگان خانوادگی برای کمک به پدر-مادران جهت حل برخی از مشکلات خاص خودشان استفاده می‌شود؛ برای نمونه، فراهم کردن مراقبت پس از مدرسه برای کودکان آنان یا محافظت از آنان در برابر آزار-و-اذیت جسمی شریک پیشین زندگی‌شان. این کودکان برای چند سال به خانواده‌هایی تحویل داده می‌شوند؛ به گونه‌ای که، آنان وقت کافی برای بازسازی اعتماد و کشف روابط میان‌شخصی با خانواده را داشته باشند.

با وجود برخی مشکلات مربوط به اجرا (وجود مشکلاتی در به دست آوردن و حفظ پای‌بندی، پیشرفت کند، از عهده نقل و انتقال کارکنان مدرسه برآمدن و مواردی از این قبیل)، ارزیابی برنامه رديابی سریع در حال نشان دادن برخی پیشرفتهای مثبت در مهارتهای اجتماعی، عاطفی، خواندن^(۱) و روابط با همسالان و نیز برخی پیشرفتهای محدود در رفتار است. مشارکت پدر-مادران در مدرسه کودکان خود و نیز روابط آنان با فرزندانشان و راهبردهای آنان برای تربیت آنان بهبود یافته است.

در انگلستان، طرح اتحاد سالم دورست^(۲) مشارکتهای مبتنی بر خانواده و مدرسه را از رهگذر فراهم کردن حمایت و پشتیبانی برای خانواده‌هایی که مشکلاتی را تجربه می‌کنند و برای آموزگاران که به دانش‌آموزان اخلاک‌لگرم هفت ساله و بالاتر رسیدگی می‌کنند، بهبود می‌بخشد. هدفهای اصلی این طرح عبارت‌اند از بهبود دستاورد تحصیلی و کاهش رفتار اخلاک‌گرانه، فرار از

1. Reading Skills.

2. Dorset Healthy Alliance.

مدرسه، و بزهکاری. گستره‌ای از مداخله‌ها به کار گرفته شد؛ از جمله، بازدیدهای خانگی، مبارزه‌های ضد قلدری و گردن‌کلفتی، خانواده‌درمانی، باشگاههای پس از مدرسه، آموزش مهارت‌های اجتماعی و حمایت رفتاری مدرسه‌محور. نتایج این ارزیابی پیشرفت‌های مهمی را در عملکرد دانش‌آموزان، رفتار و فرار از مدرسه، کاهش سرقت، تخریب اموال عمومی و سوء مصرف مواد مخدر و کاهش گسترده در ارجاع کودکان برای حمایت نشان می‌دهد. [پرچارد^(۱)، ۱۹۹۸]

۲. برنامه‌های ناکارآمد

نمونه‌های مربوط به برنامه‌های ناکارآمد در مقایسه با برنامه‌های کارآمد بسیار بیشتر است. دریفوس^(۲) (۱۹۹۰) و گات‌فردسون (۱۹۹۷) شماری از مداخله‌های پیش‌گیرانه‌ای را که ارزیابی شده و ناکارآمدی‌شان اثبات شده است، فهرست کرده‌اند. این مداخله‌ها عبارت‌اند از مددکاری اجتماعی موردی، مشاوره/درمان فردی و مبتنی بر گروه همسال (این مورد اخیر حتی ممکن است خلاف‌آور باشد)، مداخله‌های مربوط به داروشناسی (به استثنای شکل‌های خاصی از بزهکاری خشونت‌بار)، تنبیه بدنی، محرومیت از مدرسه، اقدام‌های اطلاعاتی (به‌ویژه در خصوص سوء مصرف مواد مخدر)، تغییر مسیر به سوی سرگرمی و تسهیلات تفریحی، برانگیختن ترس (برای نمونه، «آنان را رک و راست بترسان»)، و اعتراض به اخلاقیات آنان. بسیاری از اینها بر یک مداخله تنها مبتنی‌اند و اکنون پذیرفته شده است که برنامه‌های پیش‌گیری برای آنکه کارآمد باشند، باید از گستره‌ای از تدابیر تکمیلی که گستره کاملی از عوامل خطرزا را در قلمرو اصلی زندگی یک کودک-خانواده،

1. Pritchard.

2. Dryfoos.

مدرسه، گروه همسال و همسایگان محلی - ترجیحاً در مرحله‌های رشدی مختلف (ابتدای دوران کودکی، دبستان، نوجوانی) هدف قرار می‌دهند، تشکیل شوند.

این مسئله نیز مشخص شده است که این برنامه‌ها برای آنکه کارآمد باشند، باید تغییر رفتاری و نه فقط تغییر در نگرش، ارزشها یا شناخت را مورد هدف قرار دهند. گاهی، تأمین بودجه برنامه‌های شکست‌خورده بر این مبنا که ارزیابی انجام شده اشتباه بوده است (که ممکن است در برخی از موارد توجیه‌پذیر باشد) یا تأثیرهای آن هنوز بروز نیافته است (که این نیز ممکن است در برخی از موارد توجیه‌پذیر باشد)، ادامه می‌یابد. ولی، تضمین این مسئله که هزینه‌مربوط به مداخله‌هایی که ناکارآمد بودن آنها اثبات شده است قطع می‌شود، مهم است و برای انجام این کار، برجسته کردن آن دسته از مداخله‌هایی که ناکارآمدی آنها در بسیاری از محیطها اثبات شده است، ضرورت دارد.

۳. آیا پیش‌گیری از بزهکاری مقرون به صرفه است؟

دلایل علمی با کیفیت بالا در خصوص این مسئله که چه برنامه‌هایی در پیش‌گیری از مجرمیت کارآمدند، اندک است و تقریباً در ایالات متحده آمریکا به طور کامل به شمار اندکی از طرحهای انجام شده محدود می‌شود. شمار بسیار اندکی از ارزیابیها داده‌های مفصل کافی‌ای برای یک ارزیابی اتکاپذیر از مقرون به صرفه بودن به دست می‌دهند. ولس (۱۹۹۷) نوشتگان مربوط به مقرون به صرفه بودن اقدامهای انجام شده برای پیش‌گیری از بزهکاری را بررسی کرده است. وی در مجموع نه پژوهش یافت که همگی در آمریکای شمالی بودند و داده‌هایی در خصوص هزینه به دست داده بودند. از این شمار، فقط هفت پژوهش داده‌های تفصیلی کافی به دست دادند که برخی از شکلهای تحلیل اقتصادی را امکان‌پذیر می‌کرد. گستره سنی افراد مورد

مطالعه از پیش از تولد تا هجده سالگی بود. بیشتر این طرح‌ها کودکان را در سالهای اولیه زندگی مورد توجه قرار دادند و بیشتر این طرح‌ها در خانه اجرا شده بودند. همه این مطالعات به جز دو مورد دوره‌های پی‌گیری شانزده ماهه یا بیشتر داشتند.

شش پژوهش از هفت پژوهش انجام شده نتیجه هزینه-فایده مطلوبی را نشان می‌دهند. گستره بازده اقتصادی در خصوص یک واحد سرمایه از ۰/۰۶ تا ۷/۱۶ واحد بود. امیدوارکننده‌ترین این پژوهش‌ها آنهایی بودند که نوزادان، کودکان و کودکان پیش‌دبستانی را مورد توجه قرار داده بودند. صرفه‌جوییهای ناشی از کاهش جرم و بزهکاری (که از رهگذر درگیری کمتر در نظام عدالت کیفری و شمار کمتر بزه‌دیدگان مورد سنجش واقع شده بود) بخش اساسی‌ای از منافع سنجش شده را تبیین می‌کرد. دیگر منافع پولی دربرگیرنده اتکای پایین‌تر به پرداختهای رفاهی، سطوح بالاتر اشتغال (و بنابر این درآمدهای مالیاتی افزایش یافته)، استفاده اندک از آموزش جبرانی و استفاده کمتر از خدمات ایمنی و اضطراری بود.

تحلیلهای اخیرتری که کارلی و همکاران (۱۹۹۷) و آئوس و همکاران (۱۹۹۹) از مقرون به صرفه بودن برنامه‌های پیش‌گیری از جرم به دست داده‌اند، پشتیبانی دیگری برای مقرون به صرفه بودن آنها فراهم کرده‌اند. در هر دو تحلیل، همه منافع گنجانده نشده و بنابر این صرفه‌جوییهای برآورد شده پایین‌ترند؛ ولی، در همه موارد، منافع بیشتر از هزینه‌ها بود. تنها استثنا عبارت است از تحلیل آئوس و همکاران خود (۱۹۹۹) از طرح پیشرفت خانواده سیراکوز. وی دریافت که در این طرح، هزینه چشمگیری از فراهم کردن مراقبت روزانه رایگان به مدت پنج سال به بیشتر شدن هزینه‌ها بر منافع (بیش از دو برابر) منجر شد (اگر چه در اینجا نیز منافع کم ارزیابی شد).

نتیجه‌گیری

این گزارش مختصر نشان می‌دهد که شواهد و دلایل چشمگیری در خصوص ملاک علمی با کیفیت بالا برای نشان دادن این مسئله وجود دارد که گستره وسیعی از اقدامهایی که متوجه کودکان، خانواده‌های آنان، مدرسه و دوستان آنان‌اند، از بزهکاری پیش‌گیری کرده یا عوامل خطرزای مرتبط را کاهش می‌دهند. این شواهد و دلایل همچنین نشان داده‌اند که برخی از این اقدامها مقرون به صرفه‌اند و بهترین بازده اساسی را در خصوص سرمایه اولیه به دست می‌دهند. مداخله‌های زودهنگام در خصوص کودکان در معرض خطر که نه تنها خود کودکان بلکه پدر-مادر و مدرسه آنان را مورد توجه قرار می‌دهند، بیشترین احتمال سودمندی را دارند. آنها نتایج چندگانه‌ای را به بار می‌آورند و بنابر این، به طور بالقوه نسبت به اقدامهایی که فقط بر پیش‌گیری از جرم متمرکزند، بسیار مقرون به صرفه‌ترند. [هاکینز و کاتالانو^(۱)، ۱۹۹۲]

بیشتر شواهد و دلایل ذکر شده در این گزارش بر مطالعات انجام شده در آمریکای شمالی مبتنی‌اند. نمی‌توان مطمئن بود که آنچه در یک کشور کارآمد است، به همان اندازه در یک کشور دیگر نیز کارآمد باشد. مالکیت گسترده سلاحهای گرم، نبود اداره بهداشت عمومی، ترکیب اقلیت قومی بسیاری از نواحی مرکز شهر و استفاده گسترده از مواد مخدر تنها برخی از ویژگیهای جامعه آمریکاست که با ویژگیهای جامعه اروپا متفاوت است. بنابر این، تدارک راهبردهایی برای ارزیابی مداخله‌های پیش‌گیرانه در کشورهای اروپایی مهم است و نیز مهم است که در صورت ضرورت، یک فرهنگ علمی ترویج شود که ارزیابی علمی مستقلی را از مداخله‌های روان‌شناسانه زودهنگام بپروراند.

سرانجام، متقاعد کردن سیاستمداران و دیگر افراد درگیر در مسئله

کنترل جرم به اینکه به سرمایه‌گذاری در امر پیش‌گیری باید اولویت گسترده‌تری داده شود، هنوز ضرورت دارد. یکی از پژوهشهایی که باز هم در ایالات متحد آمریکا انجام شده است، مقرون به صرفه بودن شماری از راهبردهای کنترل جرم - از جمله، مداخله‌های زودهنگام در خصوص کودکان و خانواده‌های در خطر و برنامه حبس «سه ضربه و سپس اخراج»^(۱) - را با یکدیگر مقایسه کرده است. [گرین‌وود و همکاران، ۱۹۹۶] در این پژوهش، مشخص شد که آموزش پدر-مادر، انگیزشهای فارغ‌التحصیلی و نظارت بزهکارانه همگی در مقایسه با زندان مقرون به صرفه‌ترند. اگر چه نویسندگان در خصوص ارزش ظاهری این یافته‌ها هشدار می‌دهند، این یافته‌ها حاکی از آن‌اند که تغییر منابع از عدالت کیفری و نظام کیفری به یک رویکرد کُنشی‌تر (یعنی پیش‌گیری)^(۲) - می‌تواند به لحاظ مالی و مفهومی معقول‌تر بوده و این امر نیز به اندازه کافی دیر شده است.



1. Three strikes and you're out.

یکی از تدبیرهای سیاست جنائی تقنینی ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۹۰ برای برخورد شدید با مرتکبان جرائم خشونت و مکرر که وجه مشترک آنها این است که ضمن تعیین مجازات‌های سنگین و به‌ویژه حبس بلندمدت برای این دسته از بزهکاران، از هرگونه ارفاقی به بزهکار - مانند اعطای آزادی مشروط - خودداری شده و هدف ناتوان‌سازی (incapacitation) برای پیش‌گیری از بزهکاری آنان دنبال می‌شود. این سیاست در مورد بزهکاران جوان، مرتکب را در صورتی که سه‌بار دستگیر شده و محکومیت غیرسالب آزادی دریافت کرده باشد، آماده و سزاوار محکومیت حبس و زندان در نظر می‌گیرد. برای آگاهی بیشتر ر.ک: غلامی (حسین)، *تکرار جرم*، انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲، ص ۲۹؛ همچنین رایجیان‌اصلی (مهرداد)، *دوآمدی بر عدالت کیفری صفار*، مجله امنیت، وزارت کشور، شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۳۸۰، ص ۲۴. [مترجم]

2. proactive = پیش‌کارگر.



شعبہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی